



Questionnaire1

پرسشنامه وان - مرجع پرسشنامه ایران

FOS (م خ ۱)

خانواده اصلی، خانواده ای است که شما قسمت اعظم و یا تمام سالهای کودکی خود را در آن گذرانیده. هدف این مقیاس کمک به شما برای به خاطر آوردن عملکرد خانواده اصلی شماست.
هر خانواده ای منحصر به فرد است و شیوه خاص خود را برای انجام امور دارد. لذا در این مقیاس جواب یا انتخاب صحیح یا غلط وجود ندارد. مهم آن است که شما هر چه صادقانه تر پاسخ دهید.
برای پاسخ دادن به عبارات زیر، خانواده اصلی خود را آن گونه که به خاطر دارید، در نظر بگیرید. جواب خود را با استفاده از نمرات زیر و با کشیدن دایره دور عدد مناسب مشخص کنید. لطفاً به تمام عبارات پاسخ دهید.

- ۵ (ق م) = قویاً موافقم که این عبارات توصیف خانواده اصلی من است.
۴ (م) = موافقم که این عبارات توصیف خانواده اصلی من است.
۳ (خ) = خنثی (نه موافقم و نه مخالفم).
۲ (مخ) = مخالفم. این عبارت توصیف خانواده اصلی من نیست.
۱ (ق مخ) = قویاً مخالفم. این عبارت توصیف خانواده اصلی من نیست.

ردیف	سوالات	قویاً موافقم ۵	موافقم ۴	خنثی ۳	مخالفم ۲	قویاً مخالفم ۱
۰۱	در خانواده من، هم ابراز کردن احساسهای مثبت و هم بروز دادن احساسهای منفی عادی بود.					
۰۲	جو خانواده من معمولاً ناخوشایند بود.					
۰۳	اعضای خانواده من یکدیگر را برای ایجاد دوستی های تازه تشویق می کردند.					
۰۴	خانواده من با ابراز نظرات متفاوت موافقت نداشت.					
۰۵	اعضای خانواده من غالباً برای اشتباهات خود عذرخواهی می کردند.					
۰۶	اعضای خانواده من غالباً برای اشتباهات خود عذر خواهی می کردند.					
۰۷	در خانواده من اختلافات و کشمکشها هرگز حل نمی شد.					
۰۸	من از خانواده ام یاد گرفتم که آدمها اساساً خوب هستند.					
۰۹	برای من درک گفتار و احساسات سایر اعضای خانواده ام دشوار بود.					
۰۱۰	وقتی یکی از اعضای فامیل یا دوستان خانواده فوت می کرد، ما دربارہ غم و غصه خود صحبت می کردیم.					
۰۱۱	وقتی والدینم اشتباه می کردند، صریحاً آن را می پذیرفتند.					
۰۱۲	هر احساسی که داشتم آن را در خانواده ام به زبان می آوردم.					
۰۱۳	در خانواده من، حل اختلاف و کشمکش تجربه پر استرسی بود.					
۰۱۴	خانواده من پذیرای نظرات متفاوت اعضای خانواده نسبت به طرز زندگی بود.					
۰۱۵	والدینم مرا برای بیان صریح نظراتم تشویق می کردند.					
۰۱۶	غالباً مجبور بودم افکار و احساسهای سایر اعضای خانواده را حدس بزنم.					
۰۱۷	اعضای خانواده ام اکثراً نظرات و احساسهای مرا ندیده می گرفتند یا از آنها انتقاد می کردند.					

ردیف	سوال	قویاً موافقم	موافقم	خنثی	مخالفم	قویاً مخالفم
۰۱۸	اعضای خانواده من بندرت مسوولیت رفتار خود را قبول می کردند.					
۰۱۹	در خانواده ام برای بیان نظراتم آزاد بودم.					
۰۲۰	ما هرگز درباره رنج مرگ یکی از خویشاوندان یا دوستان خانواده صحبت نمی کردیم.					
۰۲۱	بعضی اوقات در خانواده ام مجبور نبودم چیزی بگویم، اما احساس می کردم مرا درک می کنند.					
۰۲۲	جو خانواده من سرد و منفی بود.					
۰۲۳	اعضای خانواده ام نظرات یکدیگر را خیلی راحت می پذیرفتند.					
۰۲۴	درک سخنان و احساسهای سایر اعضای خانواده ام آسان بود.					
۰۲۵	وقتی یکی از دوستان خانواده با نقل مکان کردن از ما دور می شد، هرگز درباره احساس رنج خود از رفتن او گفتگو نمی کردیم.					
۰۲۶	من در خانواده یاد گرفتم که نسبت به دیگران بدگمان باشم.					
۰۲۷	احساس این بود که در خانواده ام می توانم درباره هر چیزی صحبت کنم و هر اخترف و کشمکشی را حل کنم.					
۰۲۸	بیان نظراتم در خانواده سخت و دشوار بود.					
۰۲۹	صرف غذا در خانواده ما معمولاً دوستانه و خوشایند بود.					
۰۳۰	در خانواده ما کسی به احساسات سایر اعضای خانواده اعتنایی نمی کرد.					
۰۳۱	ما معمولاً در خانواده می توانستیم کشمکشها و اختلاف نظرات را حل کنیم.					
۰۳۲	در خانواده ما بیان بعضی از احساسها مجاز نبود.					
۰۳۳	خانواده من معتقد بود که سایر مردم معمولاً از ما سوء استفاده می کنند.					
۰۳۴	بیان افکار و احساساتم در خانواده برایم سهل و آسان بود.					
۰۳۵	اعضای خانواده من معمولاً نسبت به احساسات یکدیگر حساس بودند.					
۰۳۶	هر وقت آدمی که برای ما مهم بود با نقل مکان از ما دور می شد، اعضای خانواده درباره احساس خود نسبت به جای خالی او صحبت می کردند.					
۰۳۷	والدینم با ما برای بیان نظراتی که مخالف نظرات آنها بود، مخالفت می کردند.					
۰۳۸	اعضای خانواده من مسوولیت اعمال و رفتار خود را قبول می کردند.					
۰۳۹	خانواده من یک قانون نانوشته داشت و آن این بود که « احساسات خود را به زبان نیاورید ».					
۰۴۰	من خانواده ام را خانواده ای گرم و حمایت گر به خاطر می آورم.					